

(نویسنده: مرتضی صفار هرندي (۸۹)

ماجرای مک فارلین و مراودات پنهانی برخی از عناصر رابط داخلی با آمریکایی ها در قالب دریافت سلاح و نیز دادن قول های مساعدی درباره کمک به آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان، دارای ابعاد پیچیده ای است که هنوز همه ابعاد آن روشن نیست. به طور اجمالی، آنچه مشخص است، تمایلاتی برای عادی سازی رابطه با آمریکا از زمان جنگ تحمیلی در بخش هایی از نظام وجود داشته است. در این مراودات، نام افراد مختلفی همچون محمدعلی هادی نجف آبادی، فریدون وردی نژاد، علی هاشمی رفسنجانی و علی کنگرلو (مشاور امنیتی میرحسین موسوی نخست وزیر وقت) به چشم می خورد که به سادگی نمی توان درباره نقش هر یک از آن ها قضاوت کرد.

از جمله علی هاشمی رفسنجانی (برادرزاده رئیس مجلس وقت) از ملاقات خود با ریچارد سیکورد (معاون وزیر دفاع وقت آمریکا) و فرد دیگری به نام آلبرت حکیم در شهریور ۱۳۶۵ در کشور بلژیک سخن گفته است. این ملاقات سفر دیگر وی به ژنو و از آنجا به یک مکان نامعلوم دیگر و ملاقاتش با ریچارد سیکورد، الیور نورث و فرد دیگری (احتمالاً جان پویندکستر) را به دنبال داشته است. علی هاشمی مدعی است که در این سفر از سوی سپاه برای تامین سلاح ماموریت داشته و آقای هاشمی رفسنجانی با آن مخالف بوده است، اما آنچه خود او از محسن رضایی نقل کرده است، نشان می دهد مقام دخیل در جزئیات هماهنگی این سفر کسی نبوده جز فریدون وردی نژاد، یعنی فردی که بیش از آنکه به محسن رضایی نزدیک باشد، مقام امنیتی مورد اعتماد شخص آقای هاشمی رفسنجانی بوده است.

علی هاشمی می گوید که در این مذاکره، الیورنورث یک انجیل را که رونالد ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا مطالبی را در پشت آن نوشته بود به او داد تا تسلیم مقامات جمهوری اسلامی کند.